



اوایل حضور
مستشاری ایران
در سوریه و عراق،
سال‌های غربت
مدافعان حریمی
بود که آن سال‌ها به
شهادت رسیده
بودند. برای غربتی
این شهید اخیلی
غصه می‌خورد.

ویژه‌نامه سالگرد شهادت سپهبد سلیمانی



آتش‌هایی است که کمتر از یک دهه بعد، منطقه را در خود بلعیدند.»

زندانی دیگری که با گاردین مصاحبه کرده، گفته است «اگر هیچ زندان آمریکایی‌ای در عراق نبود، الان هم دولت اسلامی‌ای در کار نبود. بوکا یک کارخانه بود که همه ما را ساخت و ایدئولوژی‌مان را بنا کرد.» زندانی‌ها اسم بوکا را گذاشته بودند «دانشگاه» و بغدادی در ۱۰ ماهی که آنجا بود، یکی از اعضای هیأت علمی آنجا بود.

بدری بالاخره سال ۲۰۰۶ به القاعده عراق پیوست و به سبب داشتن تحصیلات دانشگاهی توانست بین رهبران القاعده جایگاهی خاص پیدا کند. او در نهایت به گروهی از مشاوران که قرار بود به ابو عمر البغدادی در زمینه خلافت مشورت دهند، پیوست. البته این گروه بیشتر گوش به فرمان ابوابوب مصری بودند.

بعد از کشته شدن ابو عمر و ابوابوب توسط نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۱۰، القاعده پیامی به شورا فرستاد که برای انتخاب خلیفه بعدی عجله نکنند اما شورا که هر روز احساس استقلال بیشتری نسبت به القاعده می‌کرد، از این فرمان تخطی کرد. در این زمان با توطئه پیچیده شخصی به نام حجبی بکر، ابراهیم بدری سومین رهبر سازمان تروریستی در حال گسترش عراق شد و نام ابوبکر بغدادی را برای خود برگزید. او با کمک حجبی بکر توانست تمام سران مخالف را به طرق مختلف حذف کند.

در تبلیغات داعش از وی به «ابوبکر الحسینی القریشی البغدادی» نام برده می‌شود تا یادآور حدیث معروف «خلفاء امتی اثنا عشر کلمه من القریش» باشد.

ابوبکر بغدادی بعد از محاصره شدن توسط نیروهای آمریکایی در منطقه حارم استان ادلب سوریه، خودش و دو فرزندش را به وسیله کمربند انفجاری به هلاکت رساند.

اکثریت شیعی عراق - که مدت زیادی زیر فشار ظلم بودند - آنها هم کنار رفتند. خیلی از اینها اگر هنگام ورود به زندان، جهادی نبودند، موقع ترک زندان، جهادی شده بودند. مانیفست جهادی‌های تندرو پیش چشم آمریکایی‌ها آزادانه دست به دست می‌شد.

≡ جمع جهادی‌ها در کنار هم

زندان بوکا را خیلی‌ها به عنوان دانشگاه می‌شناسند؛ چرا که این زندان تعداد زیادی از جهادی‌های عراق و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه و همان‌طور که گفته شد اعضای دستگاه‌های امنیتی و نظامی صدام را کنار هم جمع کرده بود. این افراد هیچ وقت نمی‌توانستند در بغداد یا هرجای دیگری در دنیا به این شکل دور هم جمع شوند اما در زندان نه تنها جایشان امن بود، بلکه با ارکان رهبری القاعده هم ارتباط داشتند. ابراهیم بدری خودش را از بقیه زندانی‌ها دور نگه می‌داشت و بقیه فکر می‌کردند او فردی گوشه‌گیر و پیچیده است اما زندانبانان ابراهیم را رهبری می‌دانستند که می‌توانست نزاع میان زندانی‌ها را مدیریت کند. ابراهیم در زندان با اعضای سابق سرویس‌های نظامی و امنیتی صدام دوست شد، همچنین با کسانی که بعدتر عضو القاعده عراق شدند. این افراد بیرون از زندان و بعد از آن که سران اصلی دولت اسلامی کشته یا دستگیر شدند، در قامت نیروهای دولت اسلامی همراه ابراهیم بدری بودند.

یکی از زندانی‌های بوکا در مصاحبه‌ای با خبرنگار المانیتور، گفته است «نیروهای تازه جذب شده طوری آماده می‌شدند که هنگام آزادی مثل بمب‌های ساعتی بودند.» وقتی زندانی تازه‌ای وارد زندان می‌شد، هم‌پندانش به او آموزش داده، او را شست و شوی مغزی می‌دادند و طوری او را راهنمایی می‌کردند که هنگام ترک یک گلوله آتش بود. ابراهیم بدری شعله‌ورترین گلوله آتش از آب درآمد و تبدیل شد به مردی که مسؤول خیلی از